

سر آغاز

بازارهای جدید و بهره‌گیری از کلر گاه‌های تولیدی و کارگران ارزان‌تر، و همچنین استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی، ملاحظات اصلی به‌شمار می‌آیند. برای نظر به‌پیردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جهانی شدن به معنی نظم جهانی نو در عرصه‌ها و ابعاد بین‌المللی، تغییر تعاملات بین دولت‌ها و ملت‌ها از شکل فعلی آن، کم‌رنگ شدن مفهوم دولت ملی و حاکمیت سرزمینی و ظهور نهاد‌های قدرتمند غیر دولتی یا فراملی در عرصه بین‌المللی است. البته در این نظم نو محدودیت‌هایی برای دولت‌های ضعیف پدید می‌آید، اما امکان برخورداری دولت‌ها از امکانات برابری و زندگی صلح‌آمیز با دیگران و تأمین امنیت ملی نیز وجود دارد.

از دید حقوق‌دانان، جهانی شدن به معنی حاکمیت قواعد و مقررات یکسان، بویژه در زمینه‌های اقتصادی و حقوق بشر است. از این رو، حقوق‌دانان تحکیم و تقویت مبانی اولیه‌ای چون حقوق بشر و استحکام جایگاه قدر در جامعه بین‌المللی را از ارکان اصلی جهانی شدن می‌دانند و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی را در این راستا از زیاده می‌کنند.

جهانی شدن از جنبه‌های فرهنگی، ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز مفاهیم خاص خود را دارد که کارشناسان این رشته‌ها باید به بررسی آنها بپردازند.

ب- آثار جهانی شدن بر حاکمیت ملی

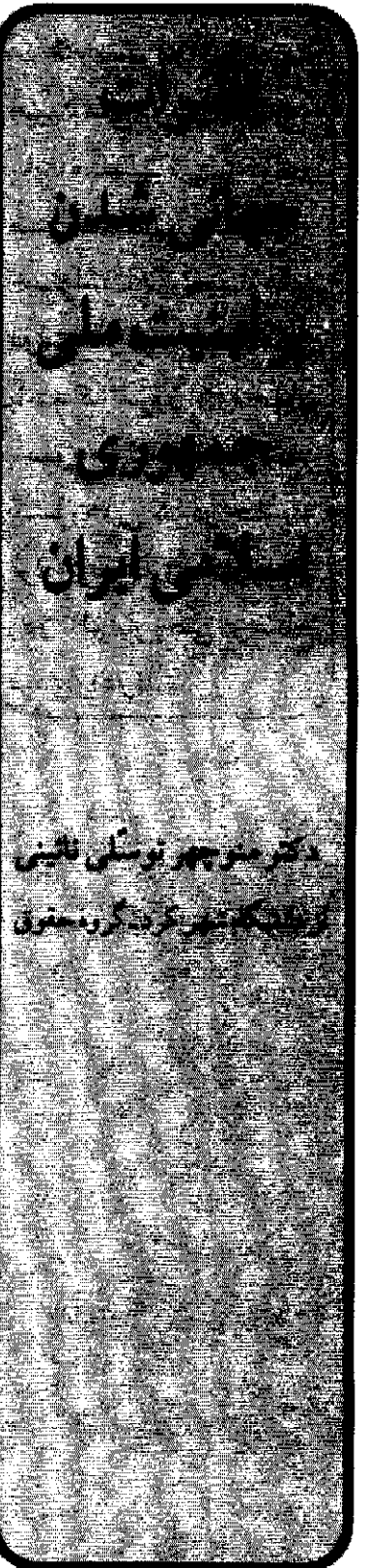
مفهوم حاکمیت ملی از سده هیجدهم به بعد در عرصه جهانی مطرح گردید. پیش از آن فرمانروایان و پادشاهان حاکمیت مطلق داشتند و بعداً مفهوم حاکمیت مردم یا حاکمیت تقسیم شده کم‌رنگ و سبب پایه گذار آن بود. مطرح شد؛ اما به سبب نارسایی‌های این مفهوم، به تدریج پذیرفته شد که حاکمیت متعلق به کل یکپارچه و تفکیک‌ناپذیری به نام ملت است. از آن پس، هر دولت در قالب حاکمیت ملی و منافع مستقل، امنیت ملی خود را تدوین می‌کند؛ به عبارت دیگر، امنیت ملی، بر اساس حاکمیت ملی به وجود می‌آید.

یکی از مسائلی که اکنون امنیت ملی و حاکمیت ملی را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پدیده جهانی شدن است. این پدیده، بی‌تردید بر مرزهای سیاسی و حاکمیت دولت‌ها تأثیر دارد، اما نمی‌تواند نقش آنها را بی‌اثر کند. برای مثال، جهانی شدن از بُعد سیاسی باعث می‌شود که دولت‌ها به مسائلی چون رعایت حقوق بشر، حفظ محیط زیست و افکار عمومی جهانی توجه

جهانی شدن پدیده‌ای است که خواه ناخواه همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چنان که این پدیده اکنون در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی، بویژه در عرصه فناوری ارتباطات و اطلاعات، اثر خود را نشان داده است. ایران نیز به‌رغم تأکید بر اصول سیاست خارجی اش که همانا عدم وابستگی به شرق یا غرب است، نمی‌تواند از پیامدهای این پدیده دور باشد. اکنون، وضع به گونه‌ای است که برای سهمین شدن در تجارت بین‌الملل چاره‌ای جز پیوستن به سازمان تجارت جهانی، وجود ندارد؛ زیرا، با پیوستن صدوسی کشور به این سازمان، عملاً هشتاد درصد تجارت جهان در اختیار آن است. بنابراین، عضو بودن در آن افزایش هزینه‌ها را دانت و نیز ایجاد موانع در راه صدور کالاها را در پی خواهد داشت و بسیاری از صنایع داخلی رو به خودکفایی را با مشکل روبرو خواهد ساخت. افزون بر این، در آمد نفت نیز که بیشترین در آمد کشور است، در سال‌های آینده رو به کاهش خواهد گذاشت و باید برای آن چاره‌ای اندیشید؛ زیرا، این موضوع گذشته از جنبه اقتصادی آن، بی‌تردید بر امنیت ملی ما تأثیر خواهد داشت. از این رو، در رویارویی با این مسئله، باید عناصر امنیت ملی، یعنی تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، قوای سه‌گانه، ارزشهای ملی و دینی از جمله مردم‌سالاری دینی و... را تقویت کنیم. در این راستا، چگونگی برخورد ما با پدیده جهانی شدن در تقویت یا تضعیف این عناصر اهمیت بسیار دارد. در این مقاله، برای بررسی دقیق این موضوع، نخست مفهوم جهانی شدن و تأثیر آن بر حاکمیت و امنیت ملی بیان شده و آنگاه با اشاره به پیامدهای منفی و مثبت جهانی شدن برای ایران، راهکارهای رویارویی با این پدیده در جهت منافع ملی ایران مورد بحث قرار گرفته است.

الف- مفهوم و دامنه جهانی شدن

جهانی شدن تعریف جامع و مانعی ندارد؛ لذا برای شناخت آن باید به ویژگی‌های این پدیده توجه کرد.^۱ جهانی شدن برای هر کس و گروه مفهومی خاص دارد. برای اقتصاددانان، جهانی شدن به معنی ادغام کامل بازارهای جهانی و استفاده از بازارهای کار و سرمایه در اقصی نقاط جهان است. در این مفهوم، فعال‌تر شدن شرکتهای چندملیتی، جستجوی



کنند که این رویکرد از مطلق بودن حاکمیت دولتها در امور داخلی به تدریج می‌کاهد و سبب می‌شود که بعضی تصمیم‌گیرهای داخلی بر اساس توجه به امور خارج از کشور باشد.

از بُعد اقتصادی، شرط نخست جهانی شدن، تضعیف حاکمیت اقتصادی دولتها به نفع افزایش قدرت سازمانهای اقتصادی جهانی است. نهادهای بین‌المللی، از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، دولتها را می‌دارند که با محدود کردن حاکمیت خود، موانع تجارت جهانی و رقابت اقتصادی از ادراک میان‌بردارند و قوانین اقتصادی، بویژه قوانین مربوط به ورود و خروج کالاها را خود را با شرایط این نهادها تطبیق دهند.^۵ حال اگر کشوری در زمینه اقتصادی، توان رقابت در عرصه جهانی را نداشته باشد، باز که اقتصاد و بیکاری رویه‌رو خواهد شد که تأثیر آن بر حاکمیت ملی و امنیت ملی انکارناپذیر خواهد بود.

از بُعد ارتباطات نیز باید گفت که گسترش ارتباطات در عرصه جهانی و آگاهی‌انسانها از چگونگی زندگی هموطنانشان در دیگر کشورهای جهان و توجه به نقاط ضعف عملکرد دولت ملی و نیز تبلیغات رسانه‌های خارجی، در صورت وجود فقر و پایین بودن سطح رفاه، می‌تواند زمینه‌های نارضایتی و ناآرامی‌هایی را پدید آورد که تأثیر آن بر مشروعیت حاکمیت از دیدگاه افکار عمومی جهانی انکارناپذیر است. به‌طور کلی، آثار جهانی شدن بر امنیت ملی را می‌توان در دو بُعد مثبت و منفی مورد بررسی قرار داد.

۱- پیامدهای منفی جهانی شدن

از دیدگاه سیاسی، جهانی شدن کمرنگ شدن حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه را در پی دارد و ابزارهای سیاست داخلی را با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌کند؛ مشکلاتی که بویژه بر اثر نبود کنترل بر روند انتقال سرمایه و کالا و پذیرش و اجرای مقررات سازمانهای فراملی پدید می‌آید. اگر سیاستهای داخلی دولت توان اصلاحات سیاسی و اجتماعی را نداشته باشد، این ناتوانی به‌ناز و ناامیدی مردم می‌انجامد که نتیجه آن تضعیف حاکمیت و امنیت ملی خواهد بود.

اما اکنون، مهمترین عیب جهانی شدن برای ایران و دیگر کشورهای در حال توسعه، محدودیت حاکمیت اقتصادی کشور است. ایران در این شرایط

فقط آمادگی خود را برای عضویت در سازمان تجارت جهانی اعلام کرده است؛ اما باید دریابیم که این سازمان، به‌عنوان عامل اصلی جهانی شدن اقتصاد، می‌کوشد سیاستها و خط‌مشی خود را بر اعضای سازمان تحمیل کند و بر آن است تا به هر قیمت به تجارت آزاد برسد، هر چند اقتصاد کشور عضو با محدودیتهایی روبه‌رو باشد. برای این سازمان، منافع امور تجاری، مهمتر از رشد اقتصادی کشورهاست و رعایت برخی مسائل چون حفاظت از محیط زیست و غیره در اولویت بعدی قرار می‌گیرد. از این رو، این شیوه‌هایی می‌تواند کاهش اشتغال در بعضی مشاغل و افزایش فقر در کشورهای در حال توسعه و تضعیف را در پی داشته باشد.

با جهانی شدن اقتصاد، شرکتهای چندملیتی و کارتل‌های مستقر در کشورهای پیشرفته، قدرت مانور بیشتری می‌یابند تا نفوذشان را در جهان افزایش دهند، عرصه رقابت را بر کشورهای کوچک‌تر تنگ کنند و حتی بر چگونگی کار سازمان تجارت جهانی اثر بگذارند. در این حالت، کشورهای حاشی‌اگر سرمایه‌گذاری خارجی را بپذیرند، به سبب اولویت سوددهی به سرمایه‌گذار خارجی، طرح‌های مردمی و اساسی، مانند راهسازی، بهداشت، آموزش و پرورش و به‌طور کلی تصدی‌گری دولت در درجه دوم قرار خواهد گرفت.

اکنون شرایب به گونه‌ای پیش می‌رود که ایران چاره‌ای جز بستن به سازمان تجارت جهانی ندارد؛ زیرا، در غیر این صورت با نژاد و زبانهای بیشتر روبه‌رو خواهد شد؛ هر چند عضویت در آن و ادغام در بازارهای جهانی و پذیرش تجارت آزاد جهانی و نیز انتقال آزاد سرمایه، ممکن است در آغاز به تضعیف حاکمیت ملی و مرزهای ملی بینجامد. افزون بر این، با این ادغام، ممکن است بحرانهای اقتصادی در یک نقطه از جهان به کشور ما نیز سرایت کند و امنیت ملی ما را با مشکلاتی روبه‌رو سازد؛ چنانکه بحران اقتصادی آسیای شرقی و نیز زلزله‌های تروریستی یازدهم سپتامبر در آمریکا بر اقتصاد اروپا و بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی، تأثیر بسیار داشت.

۲- پیامدهای مثبت جهانی شدن

جهانی شدن، بویژه در عرصه ارتباطات، باعث افزایش کارایی سازمانهای غیردولتی، در زمینه‌های گوناگون، از جمله حمایت از حقوق بشر، حفظ محیط

● از دیدگاه نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جهانی شدن به مفهوم نظم جهانی نو در عرصه روابط بین‌الملل، تغییر تعاملات دولتها و ملتها از شکل کنونی آن، کمرنگ شدن مفهوم دولت ملی و حاکمیت سرزمینی و ظهور نهادهای قدرتمند غیردولتی یا فراملی در عرصه بین‌المللی است. بی‌گمان در این نظم نو، محدودیتهایی برای دولتهای ضعیف پدید می‌آید، اما امکان برخورداری دولتها از فرصتهای برابر و زندگی صلح‌آمیز با دیگران و تأمین امنیت ملی نیز وجود دارد.

زیست، افزایش حقوق کارگران و مانند اینها می شود که این روند برای گسترش حقوق انسانها سودمند خواهد بود، همبستگی جهانی را افزایش خواهد داد و ملت‌های فقیر را از حقوقشان، از جمله آزادی، آگاه خواهد کرد. آگاهی ملت‌های در حال توسعه فقیر از سطح زندگی هموطنانشان در جوامع دیگر، تحریک و پویایی آنها را افزایش خواهد داد و در صورت بی توجهی هیأت حاکمه به خواسته‌های آنها، مشروعیت و مردمی بودن آن زیر سؤال خواهد رفت. بنابراین، می توان گفت که جهانی شدن بویژه در عرصه ارتباطات، در نهایت به سود خواسته‌های مشروع مردمان از هیأت حاکم خواهد بود. در رابطه با ایران، یکی از امتیازهای جهانی شدن ارتباطات، امکان پیشبرد شوریهایی چون «گفتگوی تمدن‌ها» و «اتحاد برای صلح» در جهان و کمک به سیاست تنش زدایی است.

جهانی شدن از دیدگاه اقتصادی نیز می تواند در دو سطح بین المللی و داخلی مزایایی برای کشورها داشته باشد. در سطح بین المللی این پدیده، با توجه به وابستگی کشورهای یکدیگر، می تواند یکی از ملاکهای ارتقای صلح در جهان باشد. در سطح داخلی نیز، پدیده جهانی شدن اقتصاد می تواند با کاهش هزینه‌های زندگی، افزایش درآمد، افزایش رشد اقتصادی، برخورداری از حق انتخاب کالاها، بهتر، رفاه‌آورد، جامعه افزایش دهد. در مجموع، افزایش رشد اقتصادی ناشی از جهانی شدن، به تقویت نظام بهره‌وری و کارایی بیشتر افراد در زندگی می انجامد و با فعال شدن افراد کارآمد که شمارشان در کشور ماکم نیست، راههای نفوذ و دخالت‌های بیگانگان در کشور بسته خواهد شد. از سوی دیگر، وابستگی ناشی از جهانی شدن، گاه می تواند با کاهش رقابت، موجب تقویت رفتار پدید آورده. در پایان این مبحث، به نظر می رسد که برای تقویت امنیت ملی، لازم باشد پس از بررسی کارکردهای جهانی شدن از دو بعد مثبت و منفی برای کشورمان، با کاستن از ابعاد منفی، به سمت استفاده از ابعاد مثبت جهانی شدن و نیز در جهت دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی حرکت کنیم و به طور کلی، از فرصت‌های جهانی شدن به خوبی بهره‌گیریم.

پراهکارهای اروپایی با پدیده جهانی شدن و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها

بررسی پیامدهای منفی و مثبت جهانی شدن نشان

می دهد که ایران نیز مانند دیگر کشورها تحت تأثیر این پدیده است؛ از این رو، برای رویارویی با آن باید راهکارهای مناسب پیش بینی شود. در عرصه سیاسی، برای رویارویی با پدیده جهانی شدن و نظم جهانی نو و نیز در جهت تقویت امنیت ملی، باید در چارچوب اصول قانون اساسی، سیاست تنش زدایی در سطح منطقه ادامه یابد. تقویت و تحکیم روابط دولتهای همسایه، بویژه با کشورهای قدرتمند جهان اسلام، ضروری است. منطقه گرایی در این چارچوب و بویژه توجه به کشورهای عضو اوپک، دو امتیاز بزرگ دارد: نخست، جلوگیری از کاهش بی رویه قیمت نفت و دوم، جلوگیری از حضور بیشتر نیروهای خارجی در منطقه و نیز تقویت نظام امنیت منطقه‌ای. در این راستا، تأکید بر سیاست اعتمادسازی، می تواند زمینه‌های همکاری کشورهای منطقه را گسترش دهد و موجب تحکیم سازمان‌های بین المللی منطقه‌ای، از جمله «اوپک» و سازمان کنفرانس اسلامی را فراهم آورد. این سیاست می تواند منافع امکانات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایران و دیگر کشورهای اسلامی را تقویت کند. به طور کلی، تحکیم روابط با کشورهای مسلمان همسایه، بویژه کشورهای عربی سبب تقویت منافع مشترک امت اسلامی و کارایی بیشتر سازمان کنفرانس اسلامی خواهد شد و فشارهای ناشی از جهانی شدن را بر این کشورها کاهش خواهد داد.

در سطح فرامنطقه‌ای و بر پایه اصول قانون اساسی، روابط دولتهای غیرمتحارب باید تدوین یابد؛ لذا، همکاری و ارتباط بیشتر با دولتهای خارج از منطقه، بویژه اعضای اتحادیه اروپا، می تواند بسیاری از فشارهای سیاسی و اقتصادی ناشی از جهانی شدن را کاهش دهد. همکاری و تعاملات سیاسی و گفتگوی سازنده با کشورهای اروپایی بویژه کشورهای عضو شورای امنیت می تواند به عنوان اهرمی در برابر سیاستهای محدودکننده آمریکا در شورای امنیت و بعضی نهادهای جهانی به کار آید.

در مجموع، چه در سطح منطقه‌ای و چه در خارج از آن، سیاست تنش زدایی و گفتگوی سازنده قادر به کاهش فشارهای جهانی شدن است و می تواند این پدیده را به فرصتهایی در جهت رشد و توسعه کشور تبدیل کند.

در عرصه اقتصادی، برای رویارویی درست

● یکی از مسائلی که اکنون امنیت ملی و نیز حاکمیت ملی را تحت الشعاع قرار می دهد، پدیده جهانی شدن است. این پدیده بی گمان بر مرزهای سیاسی و حاکمیت دولتها تأثیر دارد، اما نمی تواند نقش آنها را بی اثر کند. جهانی شدن لزوماً بعد سیاسی باعث می شود که دولتها به مسائلی چون رعایت حقوق بشر، حفظ محیط زیست و افکار عمومی جهانی توجه کنند که این رویکرد از مطلق بودن حاکمیت دولتها در امور داخلی به تدریج می کاهد و سبب می شود که برخی تصمیم گیریهایی داخلی بر اساس توجه به امور خارج از کشور باشد.

کشورهای همسایه می‌تواند گذشته از تأمین امنیت مرزی ما، مزایایی نیز در پرورس جهانی شدن به دنبال داشته باشد.

در عرصه اقتصادی، باید استعدادها و مزایای نسبی خود را شناسایی و تقویت کنیم. حمایت از تولیدکنندگان و ترغیب آنان به بهبود بخشیدن کیفیت محصولاتشان و حمایت از مصرف‌کننده در جهت استفاده از کالاهای بهتر، مازاد عرصه جهانی استوارتر خواهند نمود. برای تسریع این امور، اصلاح قوانین و مقررات اقتصادی کشور و تطبیق آنها با شرایط آینده، ضروری است. بنابراین، برای یافتن جایگاه خود در عرصه جهانی شدن، باید در همه حوزه‌های مربوط به سیاست، اقتصاد، امنیت، دفاع و غیره و برای بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی شدن و به حداقل رساندن تهدیدها و چالش‌های آن، استراتژی امنیت ملی خود را مشخص کنیم. در پایان، به نظر می‌رسد که برای رویکرد و شدن با چالش‌ها و فرصت‌های جهانی شدن و آثار آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران، تدوین یک استراتژی بلندمدت برای توسعه در همه ابعاد آن، لازم و ضروری است.

منابع

۱. امیر کبیری، علیرضا، مدیریت استراتژیک، نگاه دانش، ۱۳۸۱
۲. اکسپورت، باری، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا امیرزاده، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸
۳. توسلی فائزی، منوچهر، «تأثیرات جهانی شدن اقتصاد بر روابط کار»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی کار، تهران ۱۳۸۱
۴. تقی‌زاده، محمد، «جهانی شدن، فروپاشی یا تقویت مرزها»، خلاصه مقالات همایش ملی مرزها، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تیر ۱۳۸۲
۵. قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ پنجم، نشر دادگستر، ۱۳۷۹
۶. کاظمی، فریبا، «فرهنگ، اقتصاد و سیاست در عرصه جهانی»، همشهری، پنجشنبه ۱۲ دی ۱۳۸۱، شماره ۲۹۴۵
۷. موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۰
۸. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، نشر دادگستر، ۱۳۷۹
9. Pfefferkom' Roland' "Dette contre développement", Le Monde diplomatique, Avril 2003

بار و ندرت جهانی شدن اقتصاد و پیوستن به سازمان تجارت جهانی می‌توان از راهکارهایی چون پرداختن به مزایای نسبی، بازسازی صنعت و کاهش هزینه‌های تولید بهره‌گرفت. در این عرصه نیز، سیاست تنش‌زدایی در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌تواند گسترش بازارهای سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی جدید را در پی داشته باشد. در صورت تحقق این موارد و تحکیم پایه‌های اقتصادی، کشور ما آمادگی بیشتری برای حضور در عرصه جهانی شدن خواهد داشت.

در عرصه فرهنگی و ارتباطات، ایران می‌تواند با توجه به سابقه دیرین خود به عنوان یک تمدن شناخته شده در جامعه جهانی، از امکانات جهانی شدن در راستای ترویج و اشاعه دو تئوری «گفتگوی تمدن‌ها» و «اتحاد برای صلح» استفاده کند. این روند موقعیت و اعتبار ایران را به عنوان یک کشور مروج صلح در سطح جهان بالا خواهد برد.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن فرایندی است که دیرباز و دهمه کشورها از جمله ایران را دربر خواهد گرفت. اکنون این فرایند بیشتر در بُعد اقتصادی نمود یافته است و با این شکل، بیشتر منافع کشورهای پیشرفته را تأمین می‌کند. جهانی شدن دارای کارکردهای منفی و مثبت برای حاکمیت و امنیت ملی کشورهاست؛ لذا، باید با برخورد سنجیده، هزینه کارکردهای منفی را کاهش داد و در حد امکان این کارکردها را به فرصت‌هایی در جهت منافع ملی تبدیل نمود.

در رابطه با کشورمان، این راهکارها در چند عرصه قابل بررسی است: در عرصه سیاسی، سیاست تنش‌زدایی باید بر پایه «گفتگوی تمدن‌ها» و «گفتگوی سازنده» تدوین و پیگیری شود. نتیجه اتخاذ سیاست گفتگو و تعامل، جلب اعتماد همسایگان و کشورهای دیگر خواهد بود که در عصر جهانی شدن می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای تأمین امنیت ملی ما، کارآمدی بسیار داشته باشد. منطقه‌گرایی، راهکار دیگری برای رویارویی با جهانی شدن است. این روش از یک سو منافع ملی کشورهای منطقه را حفظ می‌کند و از سوی دیگر، از ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیازهای جدید نظام جهانی را مرتفع می‌سازد. بنابراین، توجه به اتحادهای منطقه‌ای و گسترش سطح همکاری‌ها و ایجاد هنجارهای مشترک با

● اکنون وضع به گونه‌ای است که برای سهم شدن در تجارت جهانی، چاره‌ای جز پیوستن به سازمان تجارت جهانی وجود ندارد؛ زیرا، با پیوستن ۱۳۰ کشور به این سازمان، در عمل ۸۰ درصد تجارت جهان در اختیار آن است. بنابراین، عضو نبودن در این سازمان افزایش هزینه واردات و نیز ایجاد موانع در راه صدور کالاها را در پی خواهد داشت و بسیاری از صنایع داخلی روبه خودکفایی را با مشکل روبه‌رو خواهد ساخت.